



مدل‌های توسعه را دریابند و شرح دهند.



دانش بنیان را معادل «ناولج بیسیک» گذاشته‌ایم. تحت اللفظی کم و کسر ندارد. معنی‌اش هم کمابیش درست است اما هم بنیان و هم بنیان مصداق‌های متفاوتی در ذهن‌مان دارند. همین که می‌گوییم دانش بنیان، مخاطب فکر می‌کند داریم درباره «های تک» حرف می‌زنیم و تصور می‌کند که در این حوزه جز دانشمندان پژوهشگر را راه نمی‌دهند.

به دنبال چه هستیم؟

دولوپمنت معنی اصلی‌اش ظهور است. در فرایند چاپ عکس به مرحله ظهور می‌گویند دولوپمنت. اما ظهور نمی‌توانست همه آن مفاهیم آمیخته با ترقی را منتقل کند. توسعه هم نمی‌توانست، اما به هر حال ما باید کلمات درست را جایگزین کنیم. اتفاقی که افتاد، این بود که خیلی‌ها فکر کردند از دقت در کلمه توسعه می‌توانند رمز و راز پیشرفت را دریابند. توسعه هم خانواده است با وسعت و وسع، وسعت و وسیع معنی گشادگی و گستردگی می‌دهند. یعنی وقتی می‌گوییم فضای موسع، منظورمان محوطه‌ای باز و پهن است. در ادبیات دینی هم وسع به معنی باز شدن و گسترده شدن است. در همه ترجمه‌های قرآن، آنجا که باری تعالی می‌فرماید «وسع کرسیه السماوات و الارض»، هیچ مترجمی جای وسع، ظهور نگذاشته بلکه غالباً همین معنای لغوی را دنبال کرده‌اند که عرش الهی گسترده است بر سر آسمان‌ها و زمین. دولوپمنت یعنی این که ما از حالت فقر و ناتوانی و ضعف بیرون بیاییم و ثروتمند و قوی و توانا بشویم البته نه به این سادگی. غایت توسعه همین است اما در روش و منش پیچیده‌تر از این حرف‌هاست و دستیابی به آن هم ساده نیست.

دانش بنیان، کلیدی برای همه

دانش بنیان را معادل «ناولج بیسیک» گذاشته‌ایم. تحت اللفظی کم و کسر ندارد. معنی‌اش هم کمابیش درست است اما هم دانش و هم بنیان مصداق‌های متفاوتی در ذهن‌مان دارند. همین که می‌گوییم دانش بنیان، مخاطب فکر می‌کند داریم درباره «های تک» حرف می‌زنیم و تصور می‌کند که در این حوزه جز دانشمندان پژوهشگر را راه نمی‌دهند. فکر می‌کند این هم مثل بنیاد نخبگان جایی است برای انسان‌های خاص تحصیل‌کرده که تافته جدا بافته از دیگر مردمانند. به جهت بار عاطفی و معنایی که دانش بنیان با خود حمل می‌کند، خیلی‌ها به

در جست‌وجوی معنا

یکی از اقتصاد دانش بنیان می‌گوید، یکی هم از مدیریت دانش بنیان، دیگری هم از توسعه دانش بنیان... سرخرانده‌ایم و به خود آمده‌ایم و دیده‌ایم دنیا را دانش بنیان پرکرده است. منظورشان را البته از روی همین دوکلمه دانش و بنیان کم و بیش ملتفت می‌شویم. بیشتر حدس می‌زنیم تا این که ملتفت شویم یا لاقال وانمود می‌کنیم که ملتفت شده‌ایم. مثلاً غربی‌ها یک باره ترقی خارق‌العاده‌ای کردند. از دور به نظر می‌رسید که آن‌ها در همه چیز به موفقیت رسیده‌اند. پس از انقلاب صنعتی تولید ثروت فراوان کردند، کشور خود را ساختند، برای هر کاری ماشین و ابزار مورد نیاز را تولید کردند و هر مانعی را که سر راه دیدند، برداشتند. روی دریاها پل زدند، در دل صحراها جاده کشیدند، از آن سر دنیا به آن سر دنیا رفتند و همه را مطیع و منقاد خود کردند. آن‌ها برای هر کاری به نظر می‌رسید که پول و امکانات لازم را دارند. در روزهایی که ما از مایه کوبی سراسری عاجز بودیم و در مهار زخم خود را ناتوان می‌دیدیم، آن‌ها مریضی‌های سخت را مهار کردند و بشریت را از طاعون و حصبه و دیفتری و کزاز نجات دادند.

جاده کشی سخت و پرهزینه بود، معدود جاده‌های موجود هم ناهموار و ناامن بود. یک مسافرت ساده می‌توانست با مرگ و مریضی توأم باشد، اما همان موقع در اروپا و آمریکا کشتی‌های اقیانوس پیما می‌ساختند، هواپیماهای سریع‌السیر تولید می‌کردند، بین شهرها خط آهن می‌کشیدند و از دل زمین نفت و گاز و آهن و مس و اورانیوم استخراج می‌کردند. ما گاهی با حسرت و گاهی با خشم، گاهی با حسادت و گاهی هم - بلکه اغلب - از سر تقلید به غربی‌ها نگاه می‌کردیم و زور می‌زدیم تا رمز و راز این همه ترقی را دریابیم. آن‌ها به این همه پیشرفت می‌گفتند «دولوپمنت». مترجمان ما هم این کلمه را ترجمه کردند به «توسعه» و از پس آن‌ها، کارشناس‌ها و مدیران و وطن‌دوستان سعی کردند الگوها و